

برایند مضار و منافع آزادی مشروط در نظام حقوقی ایران با رویکرد تطبیقی در گستره ی تاریخی

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه

چکیده

انسانها همیشه به دنبال به کیفر رساندن و مجازات متخلفین و متجاوزین از حدود خود بوده اند. جوامع اولیه شدیدترین و غیر انسانی ترین مجازاتها را در مورد مجرمین اعمال می کردند. این کار باعث کاهش جرم نشد از این رو جوامع به فکر کیفر حبس افتادند. آزادی مشروط فرصتی است که قبل از اتمام دوره حبس و محکومیت به محکومان داده می شود تا اگر در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را تبعیت و به موقع اجرا گذارند از آزادی مطلق برخوردار شوند به عبارت دیگر اعطای آزادی مشروط یک نوع حق است که قانون گذار به حائزین شرایط اعطا کرده و مرحله ای از اجرای روش های اصلاحی و تربیتی بزه کار محسوب شده که جهت آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی صورت می گیرد و مشمول تمامی زندانیان، اعم از زن و مرد با هر سنی می شود. آزادی مشروط به عنوان مهمترین موجب قانونی فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهد و دستورهای دادگاه را به موقع به اجرا گذارند از آزادی مطلق برخوردار شوند. سابقه آزادی مشروط در کشور ما نشان می دهد که در دوره های مختلف قانونگذاری همواره مورد توجه قانونگذاران بوده است و این امر نمایانگر توجه خاص آنان به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی محکومان است. لکن شیوه ی اجرای آن با تفاوت هایی همراه بوده است. نظر به تغییر شرایط آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اخف بودن آن نسبت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و اهمیت و لزوم اجرای آن در خصوص محکومان واجد شرایط لازم می آید که این ماده با دقت و موشکافی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. برابر ماده ۵۸ در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط ۴ گانه مندرج در آن حکم به آزادی مشروط را صادر کند.

واژه های کلیدی: اصلاح محکومین، آزادی مشروط، کاهش جمعیت کیفری زندان، تخفیف، اصلاح و بازسازی

مقدمه

انسانها همیشه به دنبال به کیفر رساندن و مجازات متخلفین و متجاوزین از حدود خود بوده اند. جوامع اولیه شدیدترین و غیر انسانی ترین مجازاتها را در مورد مجرمین اعمال می کردند. این کار باعث کاهش جرم نشد از این رو جوامع به فکر کیفر حبس افتادند. به تدریج تاثیرها و مضرات کیفر زندان نیز آشکار شد. حبس ابد یا حبس دائم نوعی از مجازات حبس است که در آن محکوم باید تا پایان عمر خود در زندان به سر برد. این کیفر معمولاً برای بزرگترین بزهها مانند قتل عمد، موارد شدید قاچاق انسان یا قاچاق مواد مخدر و دزدیهای بزرگی که با آدم کشی یا آسیبهای جسمانی شدید همراه است، در نظر گرفته می شود. در بیشتر کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده است، حبس ابد شدیدترین مجازات است. مطابق ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری دستگاه قضا با مجموعه قواعد و مقررات آیین دادرسی در مرحله دادرسی نسبت به کشف جرم و تعقیب متهم اقدام و با انجام تحقیقات مقدماتی پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی در مرحله دادگاه آماده می نماید. رأی (محکومیت) صادر شده پس از طی تشریفات قانونی نسبت به محکوم به مرحله اجرا در خواهد آمد و در واقع نوبت به اجرای مجازات می رسد. در صورت صدور محکومیت حبس با معرفی محکوم علیه به زندان اجرای مجازات شروع می شود و طبیعتاً محکوم می بایست تا پایان دوران محکومیت در زندان بماند تا با محرومیت آزادی و محرومیت از پرداختن به حرفه، ممنوعیت از سکونت در محل اقامت خود، دوری از خانواده و ممنوعیتهای دیگر که مهمترین آن رفت و آمد است کیفر دیده و با تصمیم بر اصلاح خود در طی دوران محکومیت آمادگی حضور مجدد در جامعه را پیدا کند. اما گاهی اوقات به موجب قانون شرایطی فراهم می آید که محکوم پیش از تحمل کل محکومیت صلاحیت آزادی از زندان را پیدا می کند.

آزادی مشروط به عنوان مهمترین موجب قانونی فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهد و دستورهای دادگاه را به موقع به اجرا گذارند از آزادی مطلق برخوردار شوند. سابقه آزادی مشروط در کشور ما نشان می دهد که در دوره های مختلف قانونگذاری همواره مورد توجه قانونگذاران بوده است و این امر نمایانگر توجه خاص آنان به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی محکومان است. لکن شیوه ی اجرای آن با تفاوتهایی همراه بوده است.

با صدور حکم بر آزادی مشروط ضمن اجرای قسمتی از مجازات غرض از اهداف و ویژگی های مجازات حاصل گردیده است چرا که:

اولاً جامعه به مجرم اجازه نداده است تا بتواند از کیفر فرار کند و قانون را بی ارج بشناسد؛ لذا جامعه وظیفه خود را در اجرای کیفر انجام داده است.

ثانیاً سیاست گزاران کیفری آزادی مشروط را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم شناخته و امیدوارند که تهدید اجرای مجازات در مدت آزادی مشروط تغییر مطلوبی در رفتار محکومان پدید آورد.

ثالثاً ابراز رحم و شفقت نسبت به کسانی که با رفتاری نیکو آثار تنبیه و پشیمانی از خود بروز داده اند کاملاً سزااست. علاوه بر آنکه هدف عدالت کیفری وقتی با اصلاح بزهکاران تأمین شد ادامه مجازات بیهوده است؛ مضافاً اینکه محیط زندان هرچند خوب و سالم باشد یک محیط ثانوی است و بزهکار در محیط اجتماعی اولیه بهتر می تواند رشد سالم داشته و پرورش پیدا کند. رابعاً، احساس امنیت جامعه از مجرم وقتی حاصل می شود که بزهکار با طی دورانی از محکومیت آمادگی برای بازگشت به جامعه و پذیرش در گروه را پیدا کرده باشد و نیز این مسأله که مجرم حس می کند دوباره می تواند به جامعه بازگردد، از نظر روانی برای وی حایز اهمیت است. نظر به تغییر شرایط آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اخف

بودن آن نسبت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و اهمیت و لزوم اجرای آن در خصوص محکومان واجد شرایط لازم می آید که این ماده با دقت و موشکافی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱- میزان تحمل مجازات حبس جهت استفاده از آزادی مشروط چقدر است؟

۲- آیا قبل از انقضای مدت تحمل حبس می توان درخواست آزادی مشروط نمود؟

۳- آیا محکومان به حبس ابد می توانند از آزادی مشروط استفاده نمایند؟

۴- مبنای احتساب میزان تحمل حبس در محکومانی که از تخفیف قانونی برخوردار شده اند و یا مشمول عفو گردیده اند چگونه است؟

در مقاله حاضر ضمن بیان متن ماده ۳۸ قانون سابق، فصل هشتم قانون جدید «نظام آزادی مشروط» مواد ۶۱-۵۸ از جنبه های مختلف و در ۶ بند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ماده ۳۸: هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد، دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید:

۱- هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد.

۲- هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

۳- هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده را بپردازد و یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم یا جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد و یا با موافقت رئیس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده باشد.

۱- کدامیک از مجازاتها مشمول آزادی مشروط می گردد؟

۲- کدام نوع محکومیت حبس مشمول آزادی مشروط قرار می گیرد؟

۳- آیا کسی که سابقاً دارای محکومیت بوده می تواند از آزادی مشروط استفاده نماید؟

۱- شرایط آزادی مشروط

۱-۱- شرایط مربوط به طبیعت مجازات

مطابق ماده ۵۸ کسانی می توانند از آزادی مشروط استفاده نمایند که به مجازات حبس محکوم شده باشند و مجازات حبس از نوع تعزیری باشد که در این صورت مجازاتهای اصلی دیگر مانند جزای نقدی و شلاق و مجازاتهای تکمیلی مانند اقامت اجباری در مکان معین مشمول آزادی مشروط نخواهد بود.

با استفاده از قید «تعزیری» حبس های دیگر از شمول این ماده خارج می شود و بر این اساس، حبس های ذیل مشمول مقررات آزادی مشروط قرار نمی گیرند:

الف: مجازات حبس محکومانی که به دلیل رعایت نکردن مفاد حکم مجازات تکمیلی مانند تبعید، محکومیت آنها به حبس تبدیل یافته است (ماده ۲۴ ق.م.ا).

ب: مجازات حبس حدی (مجازات حبس ابد سارق در مرتبه سوم موضوع ماده ۲۷۸ ق.م.ا).

ج: مجازات حبس (بازداشت) کسانی که به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم شده اند و آن را نمی پردازند و یا مالی از آنها به دست نمی آید و سرانجام بازداشت می شوند (ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب آبان ۱۳۷۷ با اصلاحات بعدی آن)

د: مجازات حبس محارب که به مجازات نفی بلد (تبعید) محکوم شده و بر طبق رویه قضایی باید این مدت را در حبس سپری کند. حبس در تبعید نیز مجازات حدی محسوب شده است. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۷)

با حذف عبارت «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد» کلیه محکومین اعم از دارندگان سابقه محکومیت به حبس یا هرنوع محکومیت دیگر و فاقد سابقه ها مشمول آزادی مشروط می شوند، زیرا شرط نداشتن سابقه محکومیت کیفری برای استفاده از آزادی مشروط اساساً زاید است و اگر سایر شروط در آزادی مشروط تحقق پیدا کند، تفاوت میان بزهکار بدوی و بزهکار ثانوی از لحاظ میزان استحقاق بی مبنا است. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۰) لکن مراجع قضایی با این استدلال که در صورت وجود سابقه کیفری محکومان تأیید بند ب ماده ۵۸ دشوار بوده با درخواست آنان مخالفت می نمایند.

۱-۲- شرایط مربوط به حکم

برابر صدر ماده ۵۸ محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال در صورت تحمل نصف محکومیت در حال اجرا و در سایر موارد (۱۰ سال حبس و کمتر از آن) پس از تحمل یک سوم مدت مجازات در حال اجرا دادگاه صادر کننده حکم می تواند حکم به آزادی مشروط را صادر نماید. البته محدودیتی در خصوص طرح درخواست پیش از انقضای مواعد مذکور وجود نداشته و لکن شرط پذیرش و صدور حکم به آزادی مشروط، انقضای آن می باشد.

یکی از نظرات اداره کل حقوقی قوه قضائیه در خصوص اعطای آزادی مشروط به محکومان حبس ابد به شرح ذیل است: حبس ابد مادام العمر است و مقید به مدت معین نمی باشد و لذا نصف آن معلوم نیست چه مدتی است. بنابراین در مورد محکومین به حبس ابد آزادی مشروط متصور نمی باشد و چنین محکوم علیهی نمی تواند از آزادی مشروط برخوردار شود. (نظریه شماره ۷/۱۱-۱۳۸۱/۰۱/۱۵)

مطابق تبصره ماده واحده راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۲۳ اسفند سال ۱۳۳۷ زندانیان محکوم به حبس ابد می توانستند در صورت تحمل ۱۲ سال از آزادی مشروط برخوردار شوند. در حال حاضر که ماده ۵۸ در خصوص آزادی مشروط محکومان حبس ابد ساکت است و ماده واحده ذکر شده نیز تا کنون نسخ نگردیده است، می توان از این تبصره استفاده کرد و با توجه به شرایط و امکان قانونی، اینگونه حبس را از نظر اعطای آزادی مشروط مورد قبول قرار داد. (نوربها، ۱۳۸۹، ص ۴۳۴)

درباره مجازات حبسی که محکم علیه از تخفیف قانونی و یا به موجب اختیار دادگاه از آن برخوردار شده، مبنای احتساب میزان حبس تخفیف یافته ای است که برای او تعیین شده است. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸)

به طور مثال چنانچه شخصی به علت ارتکاب جرم سرقت به سه سال حبس محکوم گردد و پس از صدور حکم قطعی نسبت به اخذ رضایت شاکی اقدام و تقاضای اعمال ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را نماید و دادگاه مجازات حبس وی را به ۱ سال و ۶ ماه تخفیف بدهد، میزان تحمل محکومیت حبس برای آزادی مشروط یک سوم مجازات تخفیف یافته یعنی ۶ ماه می باشد.

طی سالهای ۹۴-۹۰ که به مناسبت عید سعید فطر و سالروز تولد حضرت علی علیه السلام و سالروز تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها محکومان مشمول عفو موردی قرار گرفتند و محکومیت بسیاری از آنان تقلیل یافت، میزان احتساب حبس جهت استفاده از آزادی مشروط اهمیت ویژه ای پیدا کرده است.

حکم اشاره شده در بالا در مورد مجازات تقلیل یافته پس از عفو نیز صادق است یعنی همواره ملاک احتساب نصف و یا یک سوم مجازات تقلیل یافته است. بنابراین، اگر کسی به فرض به حداکثر مجازات جرم موضوع ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- بخش تعزیرات) که ۱۰ سال حبس است محکوم شده باشد و پس از عفو، مجازات او به ۷ سال تقلیل یابد به شرطی می تواند از آزادی مشروط از آزادی مشروط استفاده کند که یک سوم ۷ سال یعنی ۲ سال و ۴ ماه را تحمل کرده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۹)

در حال حاضر رویه خاصی در محاکم قضایی در این باره وجود ندارد. برخی از محاکم نصف و یک سوم مجازات پس از عفو و برخی دیگر نصف و یک سوم مجازات مقرر در دادنامه را مبنای احتساب تحمل حبس قرار می دهند. به نظر می رسد ملاک گروه دوم بیم تجری محکومان و سایرین و کاهش تأثیر مجازاتهای قانونی می باشد. اما از ماده ۵۸ فقط «تحمل نصف و تحمل یک سوم مجازات فهمیده می شود، خواه تقلیل یافته، خواه تقلیل نیافته باشد و این تفسیر به نفع محکوم علیه است. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸)

۱-۳- شرایط خاص مربوط به محکوم

مباحث مطرح در خصوص بند سوم به شرح ذیل می باشد:

- ۱- آیا کلیه محکومان در صورت تحمل حد نصاب شایسته استفاده از آزادی مشروط هستند؟
 - ۲- آیا اعطای آزادی مشروط منوط به اخذ رضایت مدعی خصوصی است؟
 - ۳- آیا اعطای آزادی مشروط منوط به پرداخت جزای نقدی در محکومیت‌های حبس توأم با جزای نقدی می باشد؟
 - ۴- آیا محکومی که سابقه استفاده از آزادی مشروط دارد، مجدداً می تواند از آزادی مشروط استفاده نماید؟
 - ۵- آیا رسیدگی به نظام آزادی مشروط منوط به درخواست شخصی محکوم می باشد؟
- مطابق بند الف ماده ۵۸ محکوم می بایست همواره در مدت اجرای مجازات از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد. شاید قانونگذار خواسته است با توجه به روحیات و خلق و خوی محکومان دلیلی بر اصلاح آنان و کفایت مجازات به دست داده باشد. در هر حال، هیچ گاه نباید تنها به ظواهر زندانیان که ممکن است به انگیزه نیل به آزادی در حفظ آن بسیار بکوشند اکتفا کرد. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۹)

برابر بند ب ماده ۵۸ حالات و رفتار محکوم باید به گونه ای نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود. برابر بند پ ماده ۵۸ محکوم می بایست به تشخیص دادگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد. ضرر و زیان مدعی خصوصی از الزامات مالی است که بزهکار مکلف است ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا به هر تقدیر با متضرر از جرم مصالحه کند، ولی جبران خسارت مدعی خصوصی به معنی جلب رضایت او به اعطای آزادی مشروط نیست و اصولاً اعطای آزادی مشروط منوط به جلب رضایت مدعی خصوصی نیست. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰)

ماده ۵۸ در خصوص نحوه تعیین تکلیف جزای نقدی محکومانی که دارای محکومیت حبس توأم با جزای نقدی هستند ساکت می باشد؛ در نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه آمده است:

اولاً مقنن در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شرایط برخورداری از آزادی مشروط را تصریح نموده است و اشاره‌ای به جزای نقدی در مجازات حبس توأم با جزای نقدی ندارد، بنابراین نمی‌توان صدور حکم به آزادی مشروط را منوط به پرداخت جزای نقدی نمود؛ زیرا پس از صدور حکم آزادی مشروط ممکن است محکوم علیه با استفاده از برخی مقررات، مانند تقسیط جزای نقدی در جرائم موضوع قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر طبق تبصره ۱ ماده ۳۱ این قانون، با تحمل حبس بدل از جزای نقدی و یا پرداخت آن بتواند از حکم صادرشده در خصوص آزادی مشروط بهره‌مند شود.

ثانیاً صدور حکم آزادی مشروط و تعلیق آزادی محکوم، به پرداخت جزای نقدی صحیح نیست؛ ولی چنانچه محکوم علیه استطاعت پرداخت جزای نقدی مورد حکم را نداشت، به علت عجز از پرداخت جزای نقدی به دستور دادگاه در بازداشت می‌ماند.

ثالثاً با توجه به پاسخ بند یک، محاسبه بازداشت بدل از جزای نقدی، از تاریخ صدور حکم آزادی مشروط محکوم علیه صورت می‌پذیرد. (نظریه ۷/۹۳/۲۶۴۵ مورخ ۹۳/۱۰/۲۸)

به استناد بند ت ماده ۵۸ عدم سابقه استفاده از آزادی مشروط یکی از شروط استفاده از آن می‌باشد و لکن شرط استفاده از آزادی مشروط همان حسن اخلاق و سلوک و بروز نشانه‌های اصلاح‌پذیری در دوران تحمل مجازات حبس است بنابراین، اگر سایر شروط اعطای آزادی مشروط تحقق پیدا کند این تبعیض بی‌مبنا است. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰)

نکته‌ای که در قانون ذکر نشده این است که آیا آزادی مشروط حتماً باید به درخواست محکوم علیه باشد و یا رأساً از طرف دادگاه هم امکان‌پذیر است؟ مواد ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ اشاره‌ای به درخواست محکوم علیه نکرده‌اند. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴) و با توجه به قانون نیازی به اینکه وی شخصاً درخواست آزادی نماید، نیست و دادگاه رأساً می‌تواند حکم به آزادی مشروط دهد. (نوریها، ۱۳۸۹، ص ۴۳۵)

۱-۴- تشریفات اعطای آزادی

مباحث مطرح در خصوص بند چهارم به شرح ذیل می‌باشد:

۱- پیشنهاد دهنده آزادی مشروط چه کسی می‌باشد؟

۲- صدور حکم آزادی مشروط در صلاحیت کدام دادگاه است؟

۳- آیا دادگاه مکلف به پذیرش پیشنهاد آزادی مشروط می‌باشد؟

۴- آیا رد آزادی مشروط قابل شکایت می‌باشد؟

۵- آیا رد پیشنهاد آزادی مشروط از سوی دادگاه مانع از طرح مجدد آن می‌گردد؟

۶- آیا محکوم می‌تواند از قبول آزادی مشروط امتناع نماید؟

برابر ماده ۵۸ پس از انقضای مواعد مقرر، گزارش بندهای (الف) و (ب) توسط رئیس زندان محل تحمل محکومیت جهت تأیید قاضی اجرای احکام مربوط ارسال می‌گردد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

صدور حکم آزادی مشروط در صلاحیت دادگاه صادرکننده محکومیت قطعی است. هنگامی که حکم دادگاه بدوی عیناً تأیید گردد آن دادگاه، دادگاه صادرکننده حکم قطعی خواهد بود اما چنانچه با اصلاحات یا تغییراتی در مرجع تجدید نظر مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد، این دادگاه صادرکننده محکومیت قطعی محسوب می‌شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳) (رای)

وحدت رویه شماره ۷۳۱ - ۱۳۹۲/۰۸/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور) (نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه شماره ۹۲/۰۷/۰۸ - ۷/۹۲/۱۳۲۹)

دادگاه مکلف به پذیرش درخواست آزادی مشروط نمی باشد و از عبارت «دادگاه صادر کننده حکم می تواند» چنین بر می آید که دادگاه مواجه با تکلیفی در خصوص پذیرش آزادی مشروط نمی باشد و از آنجایی که اعطای آن به محکوم قانوناً ارفاق تلقی می شود بنابراین رد تقاضا قابل شکایت نیست، اما رد تصمیم آزادی مشروط مانع تقاضای دوباره نیست. با توجه به متن ماده تصمیم دادگاه مبنی بر رد یا قبول پیشنهاد، حکم محسوب می شود. در اینکه آیا محکوم علیه می تواند از قبول آن امتناع کند یا نه، پاسخ منفی ارجح بنظر می رسد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴)

۱-۵- مدت آزادی مشروط و شرایط ضمن مدت

مباحث مطرح در خصوص بند پنجم به شرح ذیل می باشد:

- ۱- مدت آزادی مشروط چقدر است، به عبارت دیگر پس از گذشت چه مدت از آزادی مطلق برخوردار خواهد شد؟
 - ۲- آیا دادگاه می تواند در مدت آزادی مشروط حسن اخلاق و رفتار محکوم را مورد ارزیابی قرار بدهد؟
- برابر ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می شود و لکن دادگاه می تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد، جز در مواردی که مدت یاقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.
- برابر ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی دادگاه می تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم به استناد ماده ۴۳ همین قانون ملزم کند. دستورات مذکور به شرح ذیل می باشد:

الف- حرفه اموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجبالنفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دهیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتكاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم میکند.

۱-۵- تبعات آزادی مشروط

مباحث مطرح در خصوص بند ششم به شرح ذیل می باشد:

- ۱- عدم رعایت دستورهای دادگاه چه نتایجی برای محکوم به دنبال دارد؟

۲- ارتکاب جرم جدید در مدت آزادی مشروط چه نتایجی برای محکوم به دنبال دارد؟

۳- ارتکاب چه جرایمی موجب لغو آزادی مشروط خواهد شد؟

۴- آیا با صدور حکم به آزادی مشروط آثار تبعی محکومیت از بین می رود؟

۵- آیا آزادی مشروط موجب زوال محکومیت کیفری می شود، به عبارت دیگر با قطعی شدن آزادی می توان حکم محکومیت را از شناسنامه کیفری محکوم پاک کرد؟

برابر ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می شود. در صورت تکرار عدم تبعیت از حکم دادگاه یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می شود.

در دوره آزمایشی محکوم علیه موقتاً از تحمل باقیمانده مدت مجازات حبس معاف می گردد و اگر مجازات اصلی دارای آثار تبعی باشد، این آثار جریان خواهد داشت. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱)

هرگاه در دوره آزمایشی حسن رفتار محکوم علیه ثابت شود، پس از آن از آزادی کامل و قطعی برخوردار خواهد شد ولی محکومیت کیفری او کماکان باقی و در سجل کیفری محفوظ خواهد ماند، زیرا آزادی مشروط برخلاف تعلیق اجرای مجازات موجب زوال محکومیت کیفری نیست. این محکومیت دارای آثار تبعی است که محکوم علیه تا مدتی باید آن را تحمل نماید. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲) برابر تبصره ۳ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی در آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های سه سال و هفت سال مندرج در ماده مذکور از زمان اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود.

۲- محدودیت های محکومین به حبس ابد از ارفاقات قانونی در مرحله اجرای مجازات مثل آزادی مشروط:

درخصوص آزادی مشروط محکومین به حبس ابد بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد موضوعی که قانونگذار نه در قانون ۱۳۷۰ و نه در قانون جدید به آن اشاره نشده است، مسئله محکومین به حبس ابد است؛ اداره حقوقی قوه قضاییه در این خصوص بارها اعلام کرده است که چون حبس ابد فاقد مدت و مادام العمر است استفاده از آزادی مشروط متصور نیست ولو اینکه مجازات با استفاده از عفو به حبس مدت دار تقلیل یافته باشد. استدلال اداره حقوقی این است که ملاک مدت محکومیت حبس مندرج در حکم دادگاه است نه میزان حکم تقلیل یافته (اردبیلی، ۱۳۹۳:۲۳۸) اما در قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۳۷ اشعار می داشت: «محکومین به حبس ابد پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند» به نظر می رسد با توجه به سکوت قانونگذار و با توجه به اینکه هیچ مقرراتی در این قوانین وجود ندارد که با ماده فوق الذکر قابل جمع نباشد پس این ماده نسخ ضمنی نشده است و می توان در مورد محکومین به حبس ابد به ماده فوق استناد کرد آزادی مشروط بعد از عفو، مطلوب ترین تشویق برای زندانیان است؛ زیرا به موجب آن آزادی خود را به دست آورده و برای ورود به جامعه و زندگی اجتماعی آماده می شوند؛ اما این آزادی مطلق نیست و قانونگذار شرایطی را برای زندانی مقرر کرده است که در صورت تخلف از آن، زندانی مجبور است بقیه دوران محکومیت را در زندان سپری کند؛ اما این مقررات در قانون مجازات ۱۳۷۰ دارای ابهامات و نواقصی بود که در قانون ۱۳۹۲ تا حدی رفع شده است و می توان گفت قانون جدید نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ سهل تر و منطقی تر شده و راهکارهای موثری برای آن ارائه شده است که قابل تحسین است؛ گرچه هنوز نواقصی دارد از جمله نحوه استفاده محبوسین به حبس ابد از آزادی مشروط مشخص نشده است. شاید بتوان

با اضافه کردن ماده واحده (قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان) مصوب ۱۳۳۷ تحت عنوان یک ماده مکرر یا تبصره تا آنجایی که با قانون جدید مغایرت ندارد، این نقص را بر طرف کرد. (حاجی تبار، ۱۳۸۸، ص ۲۷)

۳- روش های مدرن یا ایرلندی یا روشهای اصلاحی و تربیتی

۳-۱- رژیم تدریجی حبس

مقتضی یک برنامه اصلاحی، درمانی است سلب آزادی دیگر به تنهایی یک هدف نیست که با شدت کما بیش زیاد اعمال شود، بلکه به عنوان یک وسیله بازسازی تدریجی به عنوان آماده سازی تدریجی و مرحله ای محکوم برای بازگشت به زندگی آزادی مورد استفاده قرار می گیرد. محکوم با طی مراحل متوالی و برحسب ورقه پیشرفت برنامه اصلاحی وی از زندان انفرادی شبانه روزی به مرحله نهایی یعنی آزادی کامل می شود. (وائلی، همان، ص ۱۰)

این نظام در سال ۱۸۲۸ از فکر وزیر درباری فرانسه به نام هیدوویویل «Hidrouvil» سرچشمه گرفته ولی پس از وی در سال ۱۸۴۰ میلادی کاپیتان مکنوچی «Maknochi» آن را در جزیره انگلیسی نورفولک و در نزدیکی استرالیا درمورد تبعیدشدگان به اجرا درآمد.

مرحله نخست این نظام که روش انفرادی است زندانی تحت آبرواسیون قرار می گیرد. مرحله دوم روش مختلط، زندانی روزها بطور دسته جمعی کار و یا تحصیل می کند و شب ها انفرادی در خوابگاه به سر می برند. (شریفیان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶)

در مرحله سوم زندانی با توجه به رفتار و کردار و طرز کار خود از آزادی بیشتری استفاده کرده برای چند ساعت یا چند روز اجازه خروج از زندان را دارد. پس روش نیمه آزادی، درمورد او اجرا می شود. در مرحله چهارم زندانی پیش از اتمام مدت محکومیت با استفاده از آزادی مشروط از زندان آزاد می شود. این روش که در آئین نامه های زندان پیش بینی نشده است عاری از عیب نموده است و عمده ترین آن این است که محکومان برای پذیرش در مراحل مختلف تظاهر به خوش رفتاری نموده و نقش دورویی را بازی می کنند. این روش تنها در زندانهای مدرن با جمعیت کیفری «زندانیان» کم، قابل اجرا است.

۳-۲- روش منطبق با شخصیت زندانی

در زندانهای مدرن اکثر کشورهای مترقی روش اجرای مجازات براساس سیستم منطبق با شخصیت زندانی است و سپری کردن مراحل مختلف روش تدریجی لزومی ندارد. از روز شروع اجرای مجازات با توجه به شخصیت محکوم ممکن است در موسسات باز نگهداری گردد و یا رژیم نیمه آزادی در مورد او اجرا شود. هدف اصلی عادت دادن زندگی عادی اجتماعی است. اصولاً هدف از تفکیک و طبقه بندی زندانیان، فقط شامل و تابع درجه بندی قانونی مجازاتها و جرائم بوده است. سیاست و فلسفه جدید مجازاتها، طبقه خاصی را در طبقه بندی محکومین بر مبنای ایجاد نظم و هماهنگی کامل بین اقدامات اداره زندان و تدابیر متخذه دادگاهها درباره هر بزهکار بوجود آورده است. این طبقه شامل مرحله تشخیص استعداد و هدایت محکومین به زندان های بلند مدت و اتخاذ تدابیر خاص برای اجرای بهتر اصلاح و تربیت هر یک از زندانیان در تمام طول مجازات می شود به طوری که هر محکوم تحت رژیم مخصوص، منطبق با روحیات و استعدادهای روحی و جسمی قرار می گیرد. (اصلاحی ۱۳۹۲، همان، ص ۲۳۸)

۳-۳- قانون مجازات اسلامی

اردیبهشت ۱۳۹۲ بود که بالاخره پس از ۱۷ سال انجام آزمایشی قانون مجازات اسلامی جدید و آزمون و خطا و با تمديد چند باره، به تصویب رسید. این قانون هم در بخش جزای عمومی و هم در بخش جزای اختصاصی باید در محاکم اجرایی شود و لازم الاجرا است. به ویژه در بخش حقوق جزای عمومی نوآوری های مختلفی داشته. ولی طبعاً این نوآوری ها باعث یک سری ابهامات هم شده که در حال حاضر بسیاری از قضات و حقوقدانان با این نقاط ابهام دست بر گریبانند. (شکری، قادری، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰)

به استناد نظریات برخی حقوقدانان بخش مربوط به حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی جدید از لحاظ علمی، فقهی، دینی، شرعی و همچنین حقوق بشری جای نقد دارد. (شمس ناتری، و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵)

برخی کارشناسان حقوق جزا از جمله دکتر «میرمحمدصادقی» استاد دانشگاه شهید بهشتی معتقدند: «این قانون به طور کلی اجرا می شود. ممکن است در برخی موارد برخوردها و تفسیرهای مختلفی از سوی قضات صورت گیرد که در آن صورت نظریات آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور در ایجاد وحدت رویه بین محاکم می تواند مؤثر باشد. یکی از ماده های جنجالی این قانون ماده ۱۳۴ است (شمس، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰) که در مورد مجازات های مختلف تغییرات محسوسی داشته است. یکی از بندهای این ماده در خصوص تعدد جرم مجرمان است، که براساس آن بالاترین میزان جرم برای مجرم در نظر گرفته می شود، یعنی اگر کسی احکامی به میزان ۳ سال و ۲ سال و یک سال برای جرم های مختلف داشته باشد، فقط مجازات ۳ سال برای او در نظر گرفته می شود و نه همه ۶ سال. با توجه به هزینه نگهداری از زندانیان ظرف دو سال گذشته که بودجه یی بالغ بر ۷۰۰ میلیارد تومان بوده و در بودجه جدید نیز میزان آن افزایش یافته است، چنانچه این ماده به صورت کامل و قطعی همان طور که مورد تأکید حقوقدانان بسیاری است، در سراسر کشور اجرایی شود، حدود یک سوم از زندانیان سیاسی وعادی غیرخطرناک با عناوین مختلف آزاد خواهند شد و به این ترتیب کشور از هزینه های مادی، معنوی و بین المللی زیادی رها شده و مزیت های زیادی هم نصیب می برد و به نفع خانواده های زندانیان خواهد بود. دست کم ۱۴، ۱۵ مورد از موارد دیگر قانون جدید نیز به نفع محکومان زندانی است. برای مثال، فصل نهم قانون جدید درباره مجازات های جایگزین است. ماده ۴۱ و ۴۰ مربوط به تعویق مجازات ها و تعویق مراقبتی است. مواد ۵۷ و ۵۶ هم درباره نظام نیمه آزادی و ماده ۵۸ درباره آزادی مشروط است که در قانون قبلی مجازات اسلامی وجود داشت و در قانون جدید شرایط بهتر و امتیازات مثبتی برای زندانیان ایجاد شده است. (صانعی ۱۳۸۲، ص ۵۴)

مجلس شورای اسلامی با یک فوریت طرحی موافقت کرد که در صورت تصویب، حبس های طولانی جایگزین مجازات اعدام برای مرتکبان جرائم مرتبط با مواد مخدر می شود. یک فوریت طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷) با ۱۴۷ رای موافق، ۲۱ رای مخالف و ۴ رای ممتنع تصویب شد.

طرح مجلس عبارت از الحاق ماده ای به عنوان ماده ۴۶ به قانون مبارزه با مواد مخدر است که براساس آن مرتکبان جرائم مرتبط با مواد مخدر، اگر مفسد فی الارض شناخته نشوند، به جای اعدام و حبس ابد به بیش از ۲۵ تا ۳۰ سال حبس درجه یک محکوم می شوند. این طرح که در کمیسیون حقوقی مجلس تدوین شده است، همراه داشتن یا استفاده از سلاح گرم، رهبری گروه تبهکار، سوء سابقه با محکومیت به اعدام یا حداقل ۱۰ سال حبس (به شرط گذراندن ۵ سال از دوره زندان) در جرایم مواد مخدر و افرادی که به تجارت یا تولید مواد روانگردان متهم هستند را از دایره شمول تبدیل مجازات ها خارج کرده است.

حکم جایگزینی حبس در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که در مرحله تحقیقات مقدماتی، دادستان می تواند از حکم جایگزین حبس استفاده کند. در مراحل دادرسی نیز حکم جانشینی حبس با توجه به شرایط و موقعیت مجرمین، قاضی می تواند از موارد مرقون در قانون مجازات اسلامی استفاده نماید. مانند جزای نقدی روزانه، محرومیت اجتماعی و سایر موارد ذکر شده در قانون. در مرحله اجرای احکام نیز حکم جایگزین حبس وجود دارد که قاضی بر اساس آن می تواند حکم تعلیق و آزادی مشروط صادر نماید.

۳-۳-۱- شرایط اعطای آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی

صدر حکم آزادی مشروط منوط به رعایت شرایطی می باشد: پاره ای از این شرایط مربوط به نوع مجازات است شرایط ماهوی، پاره ای از آن نیز مربوط به محکوم و پاره ای دیگر مربوط به شرایط شکلی و درخواست آزادی مشروط است. ذیل به بررسی این شرایط می پردازیم.

۳-۳-۱-۱- شرایط ماهوی آزادی مشروط

۳-۳-۱-۱-۱- نوع مجازات مورد حکم آزادی مشروط

ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۷۷ مقرر می دارد «هر کسی برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد، دادگاه صادرکننده ی دادنامه ی محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط ذیل حکم به آزادی مشروط صادر نماید...»

با توجه به ماده اخیرالذکر کسانی می توانند از آزادی مشروط استفاده کنند که به مجازات «حبس» محکوم شده باشند. البته ذکر این موضوع نیز واجب است که به موجب ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ کسانی که به «تبعید» محکوم شده اند، و به گونه ای حالت خطرناک دارند طبق شرایط ماده (۵) پس از سپری شدن حداقل سه سال از مدت تبعید، می توانند از مقررات آزادی مشروط مقرر در قانون اقدامات تأمینی استفاده کنند. البته آزادی مشروطی که در ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی مورد توجه مقنن واقع شده با آن چه که در ماده (۳۸) ق.م.ا، به کار رفته، متفاوت است؛ چرا که طبق ماده (۳۸) محکوم زمانی می تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند که برای بار اول به مجازات حبس محکوم شده باشد اما در ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی چنان چه محکوم علیه سابقه ی مجازات حبس نیز داشته باشد، می تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند. (حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۵۲) در مورد «حبس» مندرج در ماده (۳۸) سؤالاتی مطرح می شود: اولاً آیا حبس مندرج در ماده فقط شامل حبس های تعزیری و بازدارنده می باشد یا منظور از آن حبس به معنای مطلق آن است؛ یعنی شامل حبس های ناشی از حدود و قصاص نیز می شود (مثل بند "ج" ماده (۲۰۱) ق.م.ا)؟ ثانیاً آیا کسانی که مشمول تکرار جرم هستند و مجازات جرم جدید آن ها حبس است باز هم می توانند از آزادی مشروط استفاده کنند؟ به بیانی دیگر شمول ماده فقط در مورد کسانی است که اولین بار مرتکب بزه شده و مجازات آن حبس است یا نه منظور ماده کسانی است که قبلاً به مجازات های دیگری غیر از حبس محکوم شده و این اولین بار است که به مجازات حبس محکوم شده اند؟ ثالثاً اگر کسی در جهت اعمال ماده (۲۲) ق.م.ا، (کیفیات مخففه قضایی) مجازات بزه اش به حبس تبدیل شود می تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند یا خیر؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت: پاره ای از حقوق دانان معتقدند که هر چند کلمه ی «حبس» در ماده (۳۸) اطلاق دارد ولی به نظر می رسد که تنها حبس های تعزیری و بازدارنده را می توان مشمول آن دانست؛ چرا که حدود غیر قابل تغییر هستند. (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۱۴۳)

دسته-ای دیگر از حقوق دانان معتقدند که کلیه ی مجازات های حبس اعم از حدود، تعزیرات و بازدارنده و یا قوانین متفرقه-ی دیگر مشمول مقررات اعطای آزادی مشروط قرار خواهند گرفت. استناد این دسته ذکر مطلق مجازات حبس در م (۳۸) ق.م.ا، است. (۷) پس طبق این نظر آزادی مشروط درباره ی بند «ج» ماده (۲۰۱) ق.م.ل، در مورد مجازات حبس ابد در مرتبه ی سوم برای سارق حدی قابل اعمال است. به نظر می رسد باید حق را به کسانی داد که حبس را به معنای مطلق آن گرفته اند، زیرا علاوه بر اطلاق واژه ی حبس در ماده (۳۸)، پیشینه ی تقنینی آزادی مشروط نیز مؤید این نظر است؛ چه این که قانون گذار در سال ۱۳۶۱ در ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی، فقط کسانی را مشمول مقررات آزادی مشروط می دانست که به مجازات «حبس تعزیری» محکوم شده باشند. ولی در ماده (۳۸) ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحی ۱۳۷۷ کلمه ی تعزیری حذف شده است و این امر نشان از گرایش مقنن به استفاده از آزادی مشروط برای کلیه ی محکومین به حبس است. (شکری، ۱۳۹۴: ۱۶۰)

پاسخ به پرسش دوم باید گفت که اکثریت دکترین حقوق جزا قایل به این نظرند که مشمولین قائده ی تکرار جرم می تواند از مقررات آزادی مشروط استفاده کنند؛ یعنی اگر محکوم علیه قبلاً مرتکب جرمی شده که مجازات آن غیر از حبس بوده و اکنون برای بار اول مرتکب جرم جدیدی شده که مجازات آن حبس است، می تواند از آزادی مشروط استفاده کند. اما اگر مجازات جرم قبلی او حبس بوده است و جرم جدید او نیز مجازات حبس دارد، نمی تواند از مقررات ماده (۳۸) استفاده کند. به عبارتی دیگر منظور مقنن از عبارت «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد...» این است که مرتکب، سابقه ی محکومیت به مجازات حبس نداشته باشد و بار اول است که مرتکب بزه می شود که مجازات آن حبس است.

البته آقای دکتر آخوندی معتقدند که هر گاه زندانی سابقه محکومیت کیفری داشته باشد دیگر نمی تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کنند. (۹) پس طبق نظر ایشان شخصی که اولین بار مرتکب جرم اعم از عمدی و غیر عمدی شده باشد می تواند از مقررات آزادی مشروط استفاده کند بدون این که سابقه ی محکومیت به هر نوع مجازاتی را داشته باشد. در پاسخ به پرسش سوم باید اذعان داشت آن چه ملاک است حبس مندرج در دادنامه ی محکومیت قطعیت یافته می باشد نه مجازات یا کیفر قانونی عمل ارتكابی. پس هر گاه دادگاه در راستای سیاست فردی کردن مجازات ها و با استناد به ماده (۲۲) ق.م.ا، مجازات قانونی جرمی را (مثلاً شلاق تعزیری) تبدیل به مجازات حبس کند. محکوم علیه می تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند. این موضوع از عبارت ماده (۳۸) اصلاحی که مقرر می دارد: «... به مجازات حبس محکوم شده باشد...» قابل استنباط است. (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۱۳۲)

استنباط فوق در مورد «حبس بدل از جزای نقدی» - که در راستای اجرای ماده (۱) قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ مورد حکم قرار می گیرد نیز صادق است؛ یعنی اگر کسی به موجب قانون و حکم دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم شود و آن را نپردازد یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید، دادگاه می تواند در ازای هر یکصد هزار ریال (۱۰) یا کسر آن محکوم به جزای نقدی را بازداشت کند. در این مورد محکوم علیه نمی تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند. چرا که ماده (۳۸) اشعار می دارد «... به مجازات حبس محکوم شده باشد...» و این در حالی است که در مانحن فیه محکوم

علیه در دادنامه ی قطعی یافتن به مجازات جزای نقدی محکوم شده است نه حبس و اعمال «حبس بدل از جزای نقدی» در واقع پس از صدور حکم است و روشی است جهت وصول جزای نقدی موید این نظر صدر اول ماده (۱) قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی اصلاحی ۸۱/۶/۲۶ می باشد که اشعار می دارد: «هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به جزای نقدی محکوم گردد...» (پیشین).

۳-۱-۱-۲- سپری شدن مدتی از مجازات

محکوم علیه برای این که بتواند از آزادی مشروط استفاده کند با توجه به ماده (۳۸) ق.م.ا، اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۷ باید نصف مجازات حبس خود را گذرانده باشد. البته در ماده (۳۸) ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۰ اگر مجازات قانونی جرمی تا سه سال حبس بود محکوم علیه با سپری کردن نصف مجازات حبس و اگر مجازات جرمی بیش از سه سال حبس بود محکوم علیه با سپری کردن دو ثلث مجازات می تواند از آزادی مشروط استفاده کند که این قید در اصلاح سال ۱۳۷۷ حذف شد.

ذکر این موضوع خالی از فایده نیست که ملاک احتساب «نصف مجازات»، مجازات مندرج در دادنامه است نه مجازات مندرج در قانون. پس اگر کسی به موجب ماده (۷۱۴) ق.م.ا، (قتل ناشی از رانندگی) به شش ماه حبس محکوم شده باشد و دادگاه در راستای اجرای ماده (۲۲) ق.م.ا، مجازات او را به چهار ماه تقلیل دهد، سپری کردن نصف چهار ماه یعنی دو ماه ملاک است. این امر از صدر ماده (۳۸) اصلاحی ق.م.ا، که اشعار می دارد: «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد...» قابل استنباط است.

موردی که قانون مجازات اسلامی به آن اشاره نکرده است «محکومان به حبس ابد» است. آیا محکومان به حبس ابد می توانند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کنند یا خیر (۱۱) مثلاً تبصره ی بند "۴" ماده (۴) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب (۱۳۷۶)؟ در این خصوص در تبصره ی ماده واحده ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۳۷ تعیین تکلیف این تبصره اشعار می داشت «محکومین به حبس ابد پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند.» در ابتدای امر شاید چنین به نظر آید که با توجه با سکوت قانون مجازات اسلامی و این که گذراندن نصف مجازات حبس در مورد حبس دایم- که مدت ندارد- قابل تحقق نیست در نتیجه محکومین به حبس دایم نمی توانند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کنند. (شکری، ۱۳۹۴: ۸۲)

اما باید توجه داشت که در مورد مجازات های «حبس دایم» می توان از تبصره ی ماده واحده ی قانون «راجع به آزادی مشروط زندانیان» استفاده کرد و صرف این که در ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی به این مورد اشاره نشده است، نمی توان اعتقاد به «نسخ ضمنی» ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان داشت؛ چرا که در تعریف نسخ ضمنی گفته شده است. (حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۶۷) «نسخ ضمنی هنگامی است که پس از انتشار قانون (ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان) مقرراتی تصویب شود (ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی) که با قانون سابق قابل جمع نباشد. در این صورت چون اجرای هر دو قانون امکان ندارد و معقول به نظر نمی رسد که قانون گذار اجرای دو امر متضاد را فرمان دهد...» این در حالی است که مغایرت و تضادی بین این دو قانون وجود ندارد و هر دو قانون با هم قابل جمع می باشد. برای تأیید این نظر می توان به ماده (۴۹۷) ق.م.ا، استناد جست. به موجب این ماده کلیه ی قوانین مغایر با این قانون ملغی است. نتیجتاً چون قانون مجازات اسلامی در خصوص «حبس دایم» حکمی ندارد و از طرفی بین ماده واحده ی مصوب ۱۳۳۷ و ق.م.ا، مغایرتی وجود ندارد، استناد به تبصره ی این ماده واحده خالی از اشکال است. (حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۹۲)

۳-۱-۱-۳-۳- شرایط شکلی یا تشریفات اعطای آزادی مشروط

صدور حکم آزادی مشروط نیازمند به رعایت یکسری تشریفات و آیین رسیدگی به شرح ذیل می باشد:

۱- پیشنهاد آزادی مشروط

طبق ماده (۳۹) ق.م.ا، پیشنهاد آزادی مشروط با سازمان زندان ها می باشد که البته باید به تأیید دادستان یا دادیار ناظر زندان برسد.

۲- مرجع رسیدگی به پیشنهاد آزادی مشروط

مطابق ماده (۳۸) ق.م.ا، دادگاه صادر کننده ی دادنامه ی محکومیت قطعی، مرجع رسیدگی می باشد. از نظر علمی و منطق خاص قضایی، حکم کیفری وقتی قطعی است که جز از طریق اعاده ی دادرسی قابل شکایت نباشد. (نوربها، ۱۳۹۵: ۳۸) البته به جز اعاده ی دادرسی مطابق ماده (۱۸) قانون «اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب» مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و تبصره "۱" و "۲" آن احکام قطعی که خلاف بین و نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد، قابل طرح در «شعبه ی تشخیص» دیوان عالی کشور می باشد.

باید توجه داشت که دادگاه، تکلیفی برای صدور حکم آزادی مشروط ندارد. به بیانی دیگر مخیر است که پیشنهاد سازمان زندان ها را بپذیرد یا رد کند.

اما سؤال قابل طرح این است که هر گاه دادگاه صادر کننده ی دادنامه ی قطعی از اعطای آزادی مشروط خودداری نمود، آیا تصمیم وی در مرجع عالی تر قابل رسیدگی است یا نه ؟

به دلایل زیر اعتقاد بر این است که تصمیم دادگاه بر رد تقاضای آزادی مشروط محبوس در مرجع عالی تر قابل رسیدگی نمی باشد:

۱) به موجب ماده (۳۸) ق.م.ا، تصمیم به آزادی محبوس در صلاحیت دادگاه صادر کننده ی دادنامه ی قطعی است. بنابراین دادگاه دیگری نمی تواند در مرحله ی بعدی به عنوان مرجع عالی تر نسبت به آزادی مشروط محبوس تصمیم بگیرد. (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۴۹)

۲) آزادی مشروط را نمی توان حقی برای محبوس تلقی نمود و اعطای آزادی مشروط نوعی ارفاق تلقی می شود، لذا رد تقاضا قابل اعتراض نمی باشد.

۳) با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر قطعیت احکام و قرارهای می باشد مگر این که قانون در موردی نص صریح داشته باشد. البته رد پیشنهاد آزادی مشروط مانعی برای پیشنهاد مجدد نیست.

۳-۱-۱-۳-۴- نتایج اعطای آزادی مشروط

۱- تعیین مدت آزادی مشروط و رعایت شرایط ضمن مدت از سوی محکوم علیه

بعد از این که پیشنهاد صدور حکم آزادی مشروط مورد قبول دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی قرار گرفت، دادگاه ضمن صدور حکم آزادی مشروط، پاره ای محدودیت طی مدت معین برای محکوم علیه در نظر می گیرد. محدودیت های ضمن حکم، تمثیلی است و شامل مواردی از قبیل: سکونت در محل معین، خودداری از سکونت در محل معین، خودداری از اشتغال به شغل خاص و... می شود.

در مورد مدت آزادی مشروط تبصره ی "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی اشعار می‌داشت «مدت آزادی مشروط اصولاً شامل بقیه‌ی مدت مجازات خواهد بود ولی دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال کم‌تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود، جز در مواردی که بقیه‌ی مدت کم‌تر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه‌ی مدت حبس خواهد بود.» تبصره ی فوق در ماده (۴۰) ق.م.ا.، به این نحو بیان شده است: «مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه، کم‌تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود.»

ماده (۴۰) ق.م.ا.، این ایراد را دارد که اگر مدت حبس جرمی در دادنامه ی قطعیت یافته کم‌تر از یک سال باشد، مدت آزادی مشروط چگونه حساب می‌شود؟ مثلاً در مورد جرایم مندرج در ماده (۶۹۰) ق.م.ا.، (ایجاد مزاحمت، تصرف عدوانی و ممانعت از حق) مجازاتی که قانون گذار در نظر گرفته است یک ماه تا یک سال حبس است حال قاضی دادگاه هشت ماه برای محکوم علیه در نظر می‌گیرد. اگر پس از گذراندن نصف مجازات حبس، پیشنهاد آزادی مشروط مورد قبول واقع شود، تعیین مدت آزادی مشروط چگونه است؟

اگر دادگاه مدت آزادی مشروط را بقیه‌ی مدت حبس یعنی چهار ماه حکم دهد، این برخلاف نص ماده (۴۰) ق.م.ا.، می‌باشد. از طرفی دیگر اگر بخواهد فقط با توجه نص قانونی مدت آزادی مشروط را تعیین کند حداقل آن یک سال است و این بر خلاف عدالت و به ضرر محکوم علیه است. در پاسخ باید اذعان داشت که ماده (۴۹۷) ق.م.ا.، می‌تواند راهگشا باشد. این ماده اشعار می‌دارد «کلیه‌ی قوانینی که با این قانون مغایر باشد ملغی است» و چون ماده (۴۰) ق.م.ا.، در خصوص این که اگر بقیه‌ی مدت محکومیت کم‌تر از یک سال باشد حکمی ندارد و مغایرتی نیز با تبصره‌ی "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی ندارد، می‌توان از این تبصره استفاده کرد. (نوربها، ۱۳۹۷: ۶۵)

۳-۳-۱-۱-۵- موارد لغو حکم آزادی مشروط

با توجه به تبصره "۳" ماده (۳۸) ق.م.ا.، موارد لغو حکم آزادی مشروط عبارتند از:

- عدم رعایت شرایط و ترتیبات مندرج در حکم توسط محکوم علیه (مثلاً معرفی نوبه ای خود به زندان).
- در صورتی که ارتکاب جرم جدید که در این صورت از باب قاعده ی تعدد جرم بوده و با استناد به ماده (۴۷) ق.م.ا. محکوم علیه مجازات می‌شود (حسب مورد «جمع مجازات‌ها» یا «تشدید مجازات»).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا بعد از لغو حکم آزادی مشروط محکوم علیه می‌تواند مجدداً درخواست آزادی مشروط کند؟ آقای دکتر نوربها معتقدند که باید قایل به تفکیک شد، در صورت لغو حکم به دلیل تخلف از شرایط درخواست مجدد آزادی مشروط اشکالی ندارد اما در صورت ارتکاب جرم جدید قبولی مجدد با اشکال مواجه است؛ زیرا محکوم علیه قبلاً به مجازات حبس محکوم شده است و نحوه ی نگارش ماده دلالت دارد بر اجرای محکومیت و عدم پذیرش آزادی در چنین شرایطی اگر در خلال مدت آزادی مشروط، به هر دلیلی اعم از ارتکاب جرم جدید یا تخلف از ترتیب و شرایط دادگاه آزادی مشروط لغو شود آیا مدتی که محکوم علیه به عنوان آزادی مشروط گذرانده است، قابل احتساب است؟ فرضاً مدت آزادی مشروط یک سال بوده، محکوم پس از گذراندن نه ماه مرتکب جرم جدیدی شده و آزادی مشروط او طبق تبصره "۳" ماده (۳۸) لغو شده است. حال مدت نه ماه سپری شده را می‌توان به عنوان مدت محکومیت محاسبه کرد یا نه؟ (نوربها، ۱۳۹۵: ۹۸)

قانون مجازات اسلامی در این مورد ساکت است. اما ماده "۶" قانون آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ تکلیف را مشخص کرده بود یعنی «مدتی که در آزادی مشروط گذشته، جزء مدت محکومیت محسوب نخواهد شد». حکم فوق از لحاظ تئوری

چنین توجیه شده است که زندانی در دوران آزادی مشروط، عدم شایستگی خود را در استفاده از اعتماد و ارفاقی که به او شده، نشان داده است. در نتیجه زندانی نمی تواند از امتیازی که شایستگی آن را نداشته، استفاده کند. اما شاید بتوان گفت چون قانون مجازات اسلامی در این باره منعی ندارد، بتوان مدت سپری شده را جزء محکومیت او محاسبه کرد. این نظر با عدالت و حمایت از حقوق محکوم علیه سازگارتر است. چنان چه در خلال مدت آزادی مشروط مشخص شود که محکوم علیه سابقه کیفری دارد، آیا دادگاه می تواند آزادی مشروط را لغو کند یا خیر؟

در این خصوص نیز باید قایل به تفکیک شد: ۱- چنان چه مجازات جرم قبلی محکوم علیه «حبس» باشد، دادگاه می تواند آزادی مشروط را لغو کند؛ چرا که طبق ماده (۳۸) ق.م.ا، محکوم علیه در صورتی می تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند که برای بار اول به مجازات حبس محکوم شده باشد.

۲- اما چنان چه سابقه کیفری محکوم نشان دهنده مجازاتی غیر از مجازات حبس باشد دلیلی بر لغو آزادی مشروط وجود ندارد.

در پایان باید خاطر نشان ساخت که چنان چه محکوم علیه در طی مدت آزادی مشروط مرتکب هیچ تخلفی نشود و دستورات دادگاه را رعایت کند، آزادی او قطعی خواهد شد. اما در هر حال اجرای قسمتی از مجازات حبس، سابقه کیفری برای او محسوب می شود و در رعایت «تکرار جرم» مورد لحاظ قرار می گیرد. (حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۹۲)

نتیجه گیری

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نسبت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مساعدتر به حال محکوم است و طبق ماده ۱۰ این قانون در اعمال مقررات آزادی مشروط باید ماده ۵۸ به موقع اجرا گذاشته می شود. و عدم تصویب آیین نامه موضوع ماده ۶۳ مجوزی برای عدم اجرای این ماده نیست. با مقایسه ماده ۵۸ قانون جدید و ماده ۳۸ قانون سابق مشخص می گردد که استفاده درست و به موقع از این ظرفیت قانونی تأثیر بسزایی در کاهش جمعیت کیفری زندانها دارد و این مهم را می توان از حذف شرط «هرکس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم گردد» و در نظر گرفتن میزان تحمل حدنصاب «یک دوم و یک سوم» محکومیت و سکوت در خصوص تعیین تکلیف جزای نقدی توأم با حبس دریافت و ماده ۱۲ دستورالعمل شماره ۹۰۰/۱۶۸۶۵/۱۰۰ مصوب ۱۳۹۲/۰۴/۰۱ ریاست محترم قوه قضائیه در خصوص «ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندانها» در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در دیدار با مسئولان قضائی کشور مورخ ۹۱/۰۴/۰۷ مشهد مقدس در کاهش مجازات زندان و تبدیل به مجازات دیگر، گواه این مدعاست.

در ماده مذکور آمده است: با توجه تغییر شرایط آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رؤسای زندانها موظفند با بررسی اخلاق و رفتار زندانیان در دوران تحمل حبس درخواست آزادی مشروط زندانیان واجد شرایط را به اجرای احکام دادسرا ارسال نمایند. بررسی درخواست مذکور در دادسرا و رسیدگی به آن در دادگاه به قید فوریت و خارج از نوبت بعمل خواهد آمد. دادستانها فرایند آزادی مشروط را نظارت و پیگیری نمایند.

با نگاهی واقع بینانه باید گفت که اصولاً اعتقاد و فرهنگ جامعه نقضی کلیدی در چندی و چونی مجازاتهای آن دارد و بررسی حقوقی کارآمد در گروه موفق بودن بررسی جامعه شناسانه است. اگرچه کیفر حبس ابد در بسیاری از جوامع ملی زیر سؤال رفته و گاه حذف شده است، در واقع این کیفر در سطح بین المللی باید در ظرف جامعه بین المللی و جامعه منسوب به آن

سنجیده شود. در این جامعه توسعه مبانی و موازین حقوق بشری باعث شده است حساسیت جامعه نسبت به نقض این حقوق بیشتر برانگیخته شود. جرایم بین المللی نیز جرایمی بسیار شدیدند که اصولاً جامعه بین المللی را شدیداً تحت تأثیر قرار می دهند تا حدی که بزه‌دیدگان این جرایم را دیگر محدود به جغرافیای محل وقوع جرم نمی دانند بلکه جامعه بین المللی به تمامی از این گونه جرایم و نقض موازین بنیادین خود (حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل بشر) متأثر می گردد. به نظر می رسد در این جامعه، حکم به کیفر حبس ابد، نه تنها با آثار بازدارندگی، سزادهی و دور کردن مجرم از اجتماع همراه است، بلکه اقناع وجدان عمومی بین المللی را نیز در پی دارد.

با وجود این بزهکاران، افرادی بشری با کرامت ذاتی اند و در اعمال مجازات‌ها باید به این مهم توجه کرد. اصول اساسی حقوق کیفری در اعمال هر مجازاتی که شامل قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب کیفری و جرم ارتكابی و تناسب کیفر با نتایج آن است، در خصوص کیفر حبس ابد نیز باید ملاحظه شوند. به علاوه موازین حقوق بشری در این راستا نقشی تعیین کننده دارند. با این حال در جامعه بین الملل معاصر علی رغم تفسیر مضیق و به نفع متهم از اصول قانونی و در نظر گرفتن عوامل مخففه، گاه صدور مجازات حبس ابد برای برخی مجرمان جرایم شدید بین المللی اجتناب ناپذیر می نماید، در این خصوص باید با پیش بینی تمهیداتی در راستای مدل پیشنهاد شده و با تأکید بر مبانی رفتار با زندانیان و قرار دادن شروطی همچون رفتار مناسب مجرم در دوران حبس، توجه به وضعیت سلامتی و خانوادگی و سایر اصول روان شناسی و جامعه شناسی، امکان تعدیل مجازات او پس از محکومیت فراهم شود.

به نظر می رسد امروزه در جامعه بین المللی می توان به حبس ابد حکم کرد و حتی آن را به صورت کامل به اجرا درآورد و قاعده ای به منظور تضمین آزادی زود هنگام مجرم وجود ندارد، که البته با توجه به تحلیل صورت گرفت امید می رود شاهد تعدیلاتی در این باره در جامعه بین المللی باشیم.

بشر همواره در دفاع از حقوق، آزادی، جان و مال خویش، متخلف و متجاوز را به عناوین مختلف به کیفر رسانده و جامعه نیز در طول ادوار تاریخ برای حفظ آرامش، امنیت و تنبیه مجرم، با مجازات واکنش نشان داده است.

در دنیای معاصر مسأله زندان یکی از معضلات دستگاههای قضایی بوده و حکومت ها را هم در امور مدنی و نظام کیفری و هم در حقوق عمومی و خصوصی با مشکلات عدیده ای مواجه ساخته است. زندان نه تنها کارکرد بازدارندگی و اصلاحی نداشته بلکه بحرانهایی را در بخش های مهم حیات بشری از جمله نهاد خانواده در پی آورده است. از سوی دیگر آزادی انسان در اسناد و مواد قانونی متعددی از جمله ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین حقوق بشر و نیز قانون اساسی جمهوری اسلام ایران مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۷، جلد دوم
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳، جلد سوم
۳. حاجی تبار، حسن، جایگاه جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری ایران فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، ش ۷، زمستان ۱۳۹۸، ص ۲۷
۴. دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها مصوب ۹۲/۰۴/۰۱، ریاست محترم قوه قضائیه
۵. سوزان، ایستون (۱۳۹۴) اصول و رویه علمی حقوق زندانیان، ترجمه فراز شهلائی، تهران: نشر بینه. ص ۳۱۳-۳۱۰
۶. شریفیان جمشید، (۱۳۹۸) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ص ۱۱۶
۷. شکری، رضا، قادری، سیروس، (۱۳۹۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، تهران، چاپ چهارم.
۸. شمس علی، (۱۳۹۲) حقوق زندانیان، انتشارات راه تربیت، چ دوم.
۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم و همکاران، (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول (حقوق جزای عمومی)، نشر میزان، تهران، چاپ اول. ص ۳۱۵
۱۰. صانعی پرویز، (۱۳۸۲) حقوق جزای عمومی، تهران، طرح نو.
۱۱. صلاحی جاوید، (۱۳۸۲) کیفرشناسی، تهران، انتشارات آرش، چ اول.
۱۲. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳) محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد
۱۳. نوربها، رضا، (۱۳۹۵) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دادآفرین
۱۴. وائلی احمد، (۱۳۹۵) احکام زندان، ترجمه محمدحسین بکایی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.